

An Analysis of Ilkhanid Inscriptions and Decorations in the Great Mosque at Bastam

Meissam Aliei¹

¹ Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Gonabad, Gonabad, KhorassanRazavi, Iran. (Corresponding Author).

(Received: 21.07.2023, Revised: 03.09.2023, Accepted: 18.09.2023)
<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31326.1189>

Abstract:

Bastam great mosque, a short distance from the BayazidBastami complex, is one of the oldest mosques in Iran. The history of the mosque goes back to the beginning of Islam. There are many inscriptions as well as various motifs and decorations around the Mihrab and the wall of Qible in the mosque, which are important artistically, historically, politically, culturally, ritually, and socially. Most of the current decorations and inscriptions belong to the Ilkhanid period. The purpose of this research is to determine the age of the inscriptions of this building and also to clarify the type of lines used as well as the themes in them and also to determine the artists, patrons, and those who were involved in the construction of this building. The results of this research, which is descriptive and analytical, and its data were collected in the form of library studies and field surveys, indicate that most of these inscriptions belong to the Ilkhanid era. Also, the substantial role of different cultural, religious, and mystical people, as well as political and artistic people in the construction of the artworks in this mosque, as well as the variety of decorations and lines, are other results of this research.

Keywords: Inscription, Architectural Decorations, Ilkhanid, Bastam, Great Mosque

¹ Email: meissamaliei@gonabad.ac.ir /meissamaliei@gmail.com

How to cite: Aliei, M. (2023). An Analysis of Ilkhanid Inscriptions and Decorations in the Great Mosque at Bastam. *Journal of Applied Arts*, 3(1), 84-106. DOI: 10.22075/AAJ.2023.31326.1189.

تحلیلی بر کتیبه‌ها و تزیینات ایلخانی در مسجد

جامع بسطام

میثم علیئی^۱

^۱ استادیار، گروه باستان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران (نویسنده مسئول).

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.31326.1189>

مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

مسجد جامع شهر بسطام، در فاصله اندکی از ارسن بایزید بسطامی، یکی از قدیمی‌ترین مساجد ایران است. پیشینه‌ی مسجد به دوران ابتدای اسلامی بازمی‌گردد. کتیبه‌های متعدد و همچنین نقوش و تزیینات مختلفی در اطراف محراب و دیوار قبله مسجد جای دارد که از نظر هنری، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، آیینی و اجتماعی دارای اهمیت است و ظاهراً عمده تزیینات و کتیبه‌های فعلی، متعلق به عصر ایلخانان است. هدف از انجام این پژوهش، مشخص کردن قدمت کتیبه‌های این اثر و همچنین روشن ساختن نوع خطوط به‌کار رفته در آن و مضامین موجود در آنها و نیز مشخص کردن هنرمندان، حامیان و کسانی است که در ساخت این بنا دخیل بوده‌اند نتایج این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی است و داده‌های آن به صورت مطالعات اسنادی و پیمایش میدانی گردآوری شده، بیانگر آن است که عمده این کتیبه‌ها مربوط به عصر ایلخانی است. همچنین نقش پررنگ افراد مختلف فرهنگی، مذهبی و عرفانی و اشخاص سیاسی و هنرمند در شکل‌گیری آثار این مسجد و نیز تنوع تزیینات و خطوط از دیگر نتایج این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: کتیبه، تزیینات معماری، ایلخانی، بسطام، مسجد جامع.

¹ Email: meissamaliei@gonabad.ac.ir / meissamaliei@gmail.com

شیوه ارجاع به این مقاله: علیئی، میثم. (۱۴۰۲). تحلیلی بر کتیبه‌ها و تزیینات ایلخانی در مسجد جامع بسطام. نشریه تخصصی هنرهای

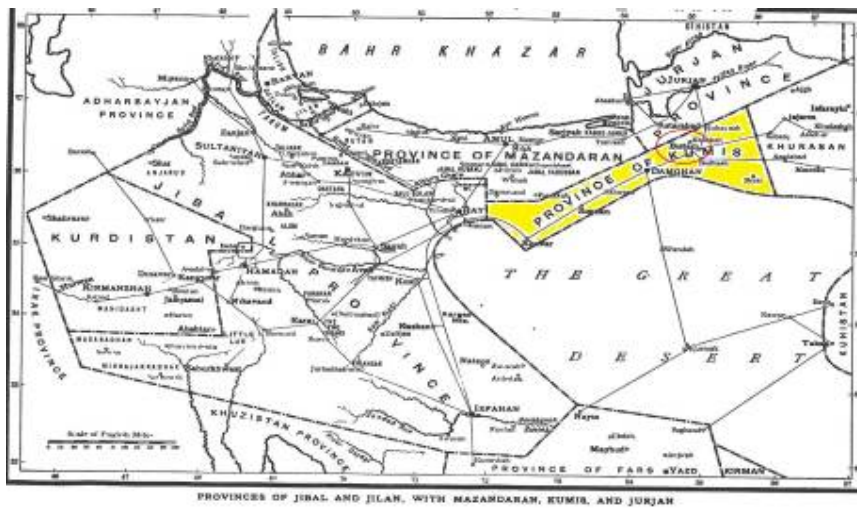
کاربردی، ۳(۱)، ۱۰۶-۸۴. doi: 10.22075/aaaj.2023.31326.1189

مقدمه

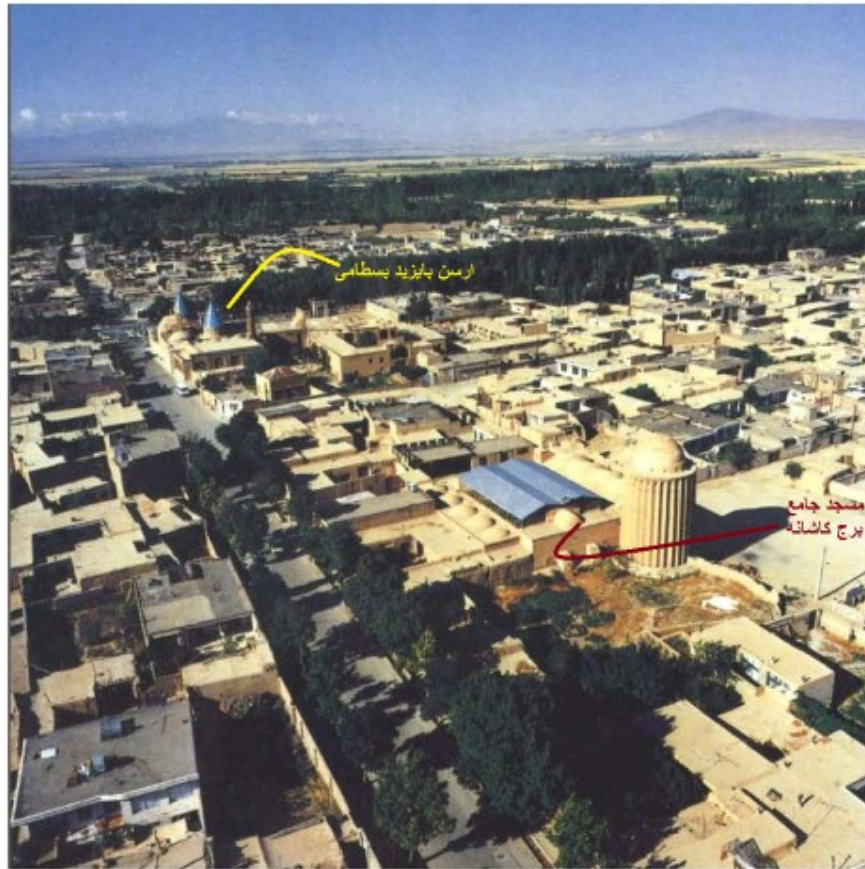
دارد. بنایی با نقشهٔ یک‌ایوانی، متشکل از یک حیاط مستطیل شکل که در سمت شرق و غرب و شمال آن شبستان‌هایی قرار دارد و ایوان بزرگی که در انتهای دیوار جنوبی تعبیه شده است. شبستان غربی در سال ۱۳۵۸ ه.ش به مسجد اضافه شده است (تصاویر ۱، ۲ و ۳) بخش دیوار قبلی و محراب مسجد دارای تزیینات و کتیبه‌های چشم‌نواز و متعددی است. نظر به قدمت مسجد و نیز وجود آثار برجسته بر دیوار قبله، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که واجد اهمیت است. اینکه عمدهٔ تزیینات و کتیبه‌های بخش دیوار قبله (موسوم به دیوار قبلی) متعلق به چه ادواری است و چه نوع خطوطی در بخش قبله به کار رفته است؟ توجه به مضامین به کار رفته در این خطوط و نیز مشخص کردن هنرمندان و صنعتگرانی که در ساخت و پرداخت تزیینات و نگارش کتیبه‌ها فعالیت داشته‌اند و حامیان و مداخلین ساخت این آثار، از پرسش‌های مهم و اساسی در این تحقیق است.

در میان عناصر و بخش‌های مختلف شهری و حتی روستایی، مساجد از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند. از همان ابتدای ظهور پایگاه اسلام در مدینه‌النبی، ساخت مسجد به عنوان مرکز و پایگاه دین مبین اسلام آغاز شد (شهیدی، ۱۳۹۲: ۶۳). در حقیقت، مسجد بنایی است تماماً اسلامی و از این دیدگاه، جلوه‌گاه تظاهرات تزیینی و معماری می‌باشد. مساجد به خلاف دیگر عناصر معماری، ساخته می‌شدند تا بمانند در حالی که بسیاری از بناهای غیرمذهبی، علیرغم توجه به تزیینات غنی آن، ساختاری سست داشتند (Hillenbrand, 2002: 31). از این‌رو مطالعهٔ عناصر معماری بکار رفته در مسجد و نیز تزیینات وابسته به آن به منزلهٔ منبعی دست اول و درجه یک برای مطالعهٔ ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اعتقادی هر دوره به شمار می‌رود.

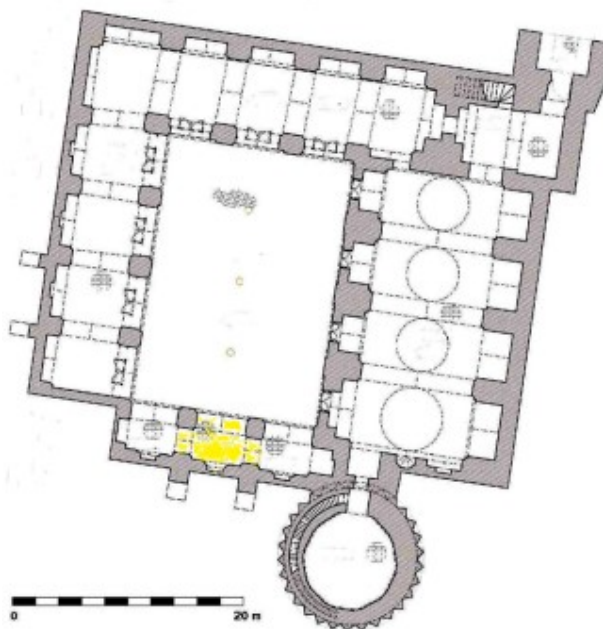
مسجد جامع بسطام که برج ایلخانی کاشانه نیز متصل به آن است، در جنوب مجموعهٔ بایزید در فاصلهٔ صدمتری ارسن (مجموعه) بایزید و در مرکز شهر تاریخی بسطام در ایالت قدیمی قومن (کومش) قرار



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی بسطام و ایالت قومن/ کومش (La Strange, 1930: to face p.185).



تصویر ۲- دورنمای شهر بسطام، مسجد جامع در پیش‌زمینه و ارسن بایزید در پس‌زمینه دیده می‌شود. دید از جنوب به سوی شمال (ماخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان سمنان).



تصویر ۳- پلان مسجد جامع بسطام و بخش محراب و دیوار قبلی (ماخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان سمنان)

پیشینه پژوهش

پیشینه مسجد جامع بسطام به قرون اولیه اسلامی باز می‌گردد. مقدسی (۳۳۵-۳۸۱ ق) اول کسی است که از این مسجد یاد می‌کند و در کتاب *احسن التقاسیم* (تألیف ۳۷۵ ق) درباره بسطام و مسجد جامع آن آورده است: «بسطام دارای جمعیت اندک و باغهای بسیار است. میوه‌هایش نیکو، روستایش دلگشا و [مسجد] جامعش خوب و زیباست و همچون دژی است اندر میان بازارها و آب جاری دارند» (مقدسی، ۱۹۰۶، ۳۵۶؛ مقدسی، نسخه خطی ۶۵۸ ق؛ بخش شوون/شئون اقلیم دیلم).^۱

طی ادوار بعد و خصوصاً در عصر قاجار، سیاحان و افرادی که از منطقه‌ی بسطام دیدن کرده‌اند، مسجد جامع آن را نیز توصیف نموده‌اند. فریزر اسکاتلندی مسجد جامع را ساختمانی با آجرهای ساده توصیف کرده و می‌گوید که با توجه به کمک‌های خدام و روحانیون (ملایان) مسجد، توانسته است طرح‌هایی را فراهم کند (Fraser, 1825: 340). خانیکوف روس نیز که در سال ۱۸۷۸م/ ۱۲۷۵ق به این ناحیه آمده، کمابیش به این مسجد اشاره کرده است (Khanicoff, 1861: 79& 80). همچنین هنری موزر که در اواسط عصر ناصری به بسطام آمده، اشاره‌ای کلی به برج و مسجد می‌کند که احتمالاً منظور همین مسجد جامع است (موزر، ۲۵۳۶/۱۳۵۶: ۲۲۹).

اعتمادالسلطنه نیز در *مرآةالبلدان* توصیف مسجد جامع بسطام - به سال ۱۲۹۴ق - می‌نویسد: «مسجدی است قدیم. در گنبد شبستان مسجد، تاریخی است که از آن چنین مفهوم می‌شود که در عهد شاه خدابنده این مسجد را مرمت و تعمیر

کرده‌اند. تاریخ تعمیر هفتصد و هفت هجری» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۰۰۲). البته اعتمادالسلطنه در ذکر تاریخ مسجد دچار اشتباه شده است. تاریخ درست، ۷۰۶ق است (نک بخش کتیبه‌ها). او همچنین در کتاب *مطلع الشمس* - طبع ۱۳۰۱ق - باز هم به مسجد جامع و برج کاشانه اشاره می‌کند: «..... صفة وسط طرف جنوب محرابی دارد بوضع گچ‌بریهای قدیم منبت و بعضی خطوط ث [ثلث] دران نوشته شده است. «اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۷۹».

طی قرن بیستم میلادی، پژوهشگرانی در این ناحیه فعالیت کرده‌اند. افرادی همچون هرتسفلد، پوپ، ویلبر، گرابار و هیل، گلمبک، هیلن‌براند، شیلایر، حقیقت، مخلص، زارعی و مرکز مشاوره مهندسی زندیگان و آثار این پژوهشگران عبارتند از:

- Herzfeld, E.E. (1926), *Zeitschrift der Deutschen Morgenland Gesellschaft*
- Pope, A.U. (1964), *The Architecture of The Islamic Period (The Fourteenth Century)*; (1965), *Persian Architecture: The Triumph of Form and Color*; (1976), *Introducing Persian Architecture*.
- Wilber, D.N. (1955), *The Architecture of Islamic Iran, The Il Khānid Period*; (1976), *Builders and Craftsmen of Islamic Iran: the Earlier Periods, Art and Archaeology Research Papers*.
- Hill, D. & Grabar, O. (1964), *Islamic Architecture and its Decoration: A.D 800-1500*.
- Golombek, L. (1974), *The Cult of Saints and Shrine Architecture in the Fourteenth Century, Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy and History*.
- Hillenbrand, R. (1974), *The Tomb Towers of Iran to 1550, Doctoral Thesis*; (1982), *The Flanged Tomb Tower at Bastam, Art et Sociétés dans le Monde Iranien*; (1999), *Islamic Art and Architecture*; (2002), *Islamic Architecture: Form, Function and Meaning*.

در این پژوهش، کتیبه‌های ایوان جنوبی و دیوار قبلی و محراب مسجد و همچنین تزیینات پرکار آنها، به شکل مشخص و مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده و داده‌های آن به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی گردآوری شده است. در واقع، شیوه توصیفی با شیوه تحلیلی تکمیل شده است. از روش کیفی نیز برای تحلیل داده‌ها طی اهداف پژوهش استفاده شده است.

کتیبه‌های دیوار قبلی و اطراف محراب

بنای کنونی این مجموعه و طبعاً تزیینات و کتیبه‌های آن نیز عمدتاً مربوط به دوره ایلخانی است؛ هرچند در عصر قاجار نیز بازسازی‌هایی در آن صورت گرفته است. در حال حاضر از بنای قدیمی مسجد اثری به غیر از چهار پایه ستون که در سال ۱۳۵۵ ه.ش کشف شده موجود نیست (زارعی، ۱۳۹۰: ۳۷۶).
پایه‌ستون‌های مکشوفه نشان می‌دهد که این مسجد در گذشته‌های دور، به احتمال فراوان مسجدی به سبک مساجد شبستانی بوده است (زندیکن، ۱۳۸۷: ۱۰۲) (تصویر ۴ الف تا ۴ د).

- Blair, S. (1982), The Inscription from the Tomb Tower at Bastām: An Analysis of Ilkhanid Epigraphy, Art et société dans le monde iranien.

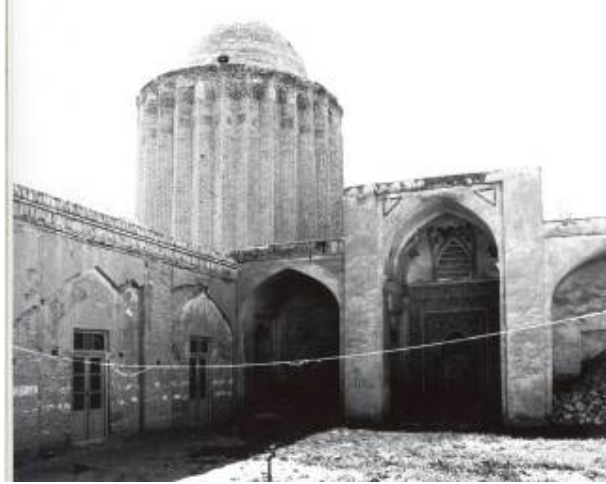
- حقیقت، ع. (۱۳۴۴)، تاریخ قومس، به انضمام تاریخ مشرق ایران از دوران ماقبل تاریخ تا عصر حاضر؛ (۱۳۷۹)، شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان.

- مخلص، م. (۱۳۵۹)، شهر بسطام و مجموعه‌ی تاریخی آن، اثر.

- زارعی، م.ا. (۱۳۷۱)، مجموعه بناهای مذهبی بسطام، رساله‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی؛ (۱۳۷۹)، معماران دامغانی در مجموعه بسطام «دوره ایلخانی»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛ (۱۳۹۰)، مسجد جامع بسطام از دیدگاه باستان‌شناختی، مجموعه‌ی باستان‌شناسی ایران در دوره اسلامی: ۴۳ مقاله در بزرگداشت استاد محمدیوسف کیانی.

- زندیکن (۱۳۸۷)، گزارش مطالعات شناخت مجموعه‌ی تاریخی بایزید بسطامی (گزارش اول).

افرادی همچون پوپ و ویلبر که جزء اولین پژوهشگران خارجی این ناحیه محسوب می‌شوند، در برداشت و خوانش‌های خود از فضا و خصوصاً کتیبه‌های مسجد، دچار اشتباهاتی شده‌اند. دیگر افراد نیز هر یک با اهداف و پرسش‌های خاص خود به این فضا پرداخته‌اند.



تصویر ۴- ایوان جنوبی/ قبلی مسجد جامع بسطام. برج کاشانه در جنوب شرقی مسجد، دید از شمال (کسایی و رهگذار، ۱۳۵۳: ۷۰۰-۷۰۶)



تصویر ۴ب - محراب مسجد جامع و تزیینات آن پیش از مرمت (کسایی و رهگذار، ۱۳۵۳: ۷۰۰-۷۰۶).



تصویر ۴ج- ایوان جنوبی مسجد جامع و کتیبه‌های آن (عکس از نگارنده).



تصویر ۵۴- محراب و کتیبه‌های دیوار قبلی، مسجد جامع بسطام (عکس از نگارنده).

استفاده از آیات سوره‌ی فتح به احتمال فراوان، یادآور یک پیروزی است. با توجه به اینکه بر برج کاشانه در کنار مسجد نیز آیات سوره‌ی فتح تکرار شده است، این احتمال بیشتر می‌شود. تاریخ روی پیشتاق برج کاشانه در کنار مسجد جامع، ۷۰۰ قمری و بالای آن ۷۰۸ قمری نوشته شده (علی، ۱۴۰۰: ۱۴۳). تاریخ دیوار قبلی مسجد جامع نیز ۷۰۶ است (نک بخشهای بعدی). نزدیکی این تواریخ احتمالاً اشارتی است به لشکرکشی و ظفرمندی اولجایتو در منطقه‌ی گیلان که در همین سال رخ داده است (Blair, 1982: 285).

کتیبه‌ی ثلث حاشیه‌ی درونی محراب

محتوای این کتیبه آیات ۱۸ و ۱۹ سوره‌ی توبه است: «انما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوه و آتی الزكوه و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یكونوا من المهتدین (۱۸) اجعلتم سقایه الحاج و عماره‌ی المسجد الحرام کمن آمن بالله و اليوم الاخر و جهد فی سبیل الله لا یستون عند الله و الله لا یهدی القوم الظالمین» (۱۹). آیات ۱۸ و ۱۹ سوره‌ی توبه بر محراب مسجد بایزید نیز دیده می‌شود. تابوروف معتقد است که درحالی‌که وجود آیه‌ی ۱۸ بر مساجد متداول است^۴، استفاده از آیه‌ی ۱۹، اینگونه نیست و نتیجه می‌گیرد که این آیه به منظور تأکید بر زیارت مزار بسطام (بخش شمال مسجد جامع) آورده شده است (Taboroff, 1981: 54). اما ملاحظه می‌شود که این آیات بر محراب مسجد جامع نیز هست. مگر آنکه این گونه بیان‌دیشیم که منظور، زیارت قبر داخل برج بوده است که البته این امر، بعید می‌نماید.

کتیبه‌ی کوفی در حاشیه‌ی بیرونی محراب مسجد جامع محتوای این کتیبه آیات ۱ تا ۴ سوره فتح است: «اسمه اعلی انا فتحنا لک فتحا مبینا (۱) لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما (۲) و ینصرک الله نصرا عزیزا (۳) هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا... (۴) افضای گچ بری تمام شده و آیه تا انتها ادامه نیافته است» (تصویر ۵).

خط کوفی این بخش از نوع مزهر (گل و برگ‌دار) و معتقد (گره دار) مورق (برگ‌دار) است که بسیار شبیه نمونه‌های موجود در مسجد بایزید و صومعه‌ی بایزید است. کتیبه با گل‌های ریز هشت پر و نیز تزیینات ختایی و دوایر کوچک و بزرگ تزیین شده است.

نکته‌ای که دارای اهمیت در این بخش، ناقص نگاشته شدن آیه‌ی چهارم از سوره‌ی فتح است. مشابه این وضعیت ناتمام، بر محراب مسجد بایزید و آیه‌الکرسی روی آن نیز مشاهده می‌شود. این حالت نشان می‌دهد که کتیبه احتمالاً به شکل **بداهه** اجرا شده و از قبل، محاسبه‌ای برای محل قرارگیری کلمات و حروف انجام نشده است.

زارعی در خصوص آغاز کتیبه‌ی کوفی محراب مسجد جامع می‌نویسد: «قبل از بسم الله جمله ای هست که خوانده نمی‌شود» (زارعی، ۱۳۷۱: ۳۰۸) در حالی‌که این جمله همان «اسمه اعلی» است که در کتیبه‌های مسجد بایزید و صومعه نیز وجود دارد و به معنا و مفهوم برتر و بالا بودن نام و یاد خداوند بر همه چیز و هم کس است^۲. عبارت اسمه اعلی در جایهای دیگری از مجموعه‌ی بسطام، مثلاً اتاق دوم صومعه و نیز مسجد بایزید، دیده می‌شود.



تصویر ۵- ابتدا و انتهای کتیبه کوفی در اطراف محراب (عکس از نگارنده)

فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل اللّٰه و اذکروا اللّٰه کثیرا لعلکم تفلحون» (۱۰)

این کتیبه در حقیقت تأکیدی است بر مسجد جمعه (جامع) بودن این محل. همانگونه که قبلاً آمد، پایه ستونهای قدیمی مسجد و نیز کتیبه‌های قاجاری (بعد از عصر ایلخانی) آن، نشان می‌دهد که این مسجد، بیش از هزار سال است که به عنوان مسجد جامع باقی است.

کتیبه این بخش به شکل مقعر نقش شده و تزیینات آن دارای گل‌های چندپر، اسلیمی‌ها و قبه‌های ستاره‌دار، نقوش انگوری شکل و نوعی از دوایر با خطوط داخلی آن است که از ویژگی‌های خاص هنرمند یا هنرمندان این مجموعه است. احتمال دارد همگی این افراد زیر نظر «محمد بن حسین ابوطالب دامغانی» هنرمند اصلی و سرپرست بخش آرسن بایزید

چه آنکه، به فرض پذیرفتن فرضیه تابوروف، شخصیت مدفون در برج کاشانه به اندازه شخصیت بایزید اهمیت ندارد که بخواهند برایش چنین ارزشی قائل شوند. از طرف دیگر، آیات سوره جمعه، تأکیدی است آشکار بر مسجد جمعه/ جامع بودن محل. نوع خط ثلث این بخش‌ها نیز مانند مسجد بایزید، شیوهی ابداعی توسط هنرمندان آن است (تصویر ۶).

کتیبه ثلث نواری در بالای محراب (آغاز: بالای درگاه ارتباطی غربی محراب، پایان: بالای درگاه ارتباطی شرقی محراب)

محتوای این کتیبه، آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه است:
«یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکر اللّٰه و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون (۹) فاذا قضیت الصلوه

و کمربندی به دور آن ایجاد شده و گونه‌ای سرک یا
علائم تزئینی است- نشان می‌دهد که بخش‌های
شمالی و جنوبی کار یک نفر یا افرادی یکسان بوده
است (تصاویر ۸ و ۷).

(شمال مسجد جامع بسطام) فعالیت می‌کرده‌اند.
شبهت حروف و علائم این کتیبه با نمونه‌هایی
همچون صومعه یا مسجد بایزید در شمال مجموعه-
مثلا کشیدگی سرک حروفی همچون «ک» یا علامت
تزئینی V شکلی که خاص هنرمند این مجموعه است



تصویر ۶- کتیبه‌ی ثلث، بخشی از آیات سوره‌ی توبه در اطراف محراب (عکس از نگارنده).



تصویر ۷ - بخش‌های پایانی از آیات سوره جمعه، همراه با علائم تزیینی خاص هنرمند در مسجد (عکس از نگارنده).



تصویر ۸ - بخشی از کتیبه‌های محراب، مسجد بایزید واقع در شمال مسجد جامع بسطام (عکس از نگارنده)

کتیبهٔ ثلث درگاه ارتباطی غربی

در این بخش از سازندگان و بانیان این «عمارت» یاد شده است: «امر هذه العماره الشريفه الذی هو متولیا لهذه البقعه المنيفه / المنيعه [؟] باذن الواقفين مد الله ظلهم! اظلهما] و تقبل منهما الفقير...»^۵.

کلمهٔ «فقیر» به گونه‌ای نوشته شده است که با انتهای کلمهٔ «واقفین» از نظر ظاهری مشابهت و مجانست داشته باشد. گویی که شمه‌ای از نثر مسجع که در این اعصار به تکلف و تصنع گراییده است، خود را بر دیوارهٔ محراب نشان می‌دهد (تصاویر ۹ و ۱۰).



تصویر ۹- کتیبه‌ها و تزیینات ورودی غربی (عکس از نگارنده).



تصویر ۱۰- محراب مسجد بایزید(شمال مسجد جامع) به شباهت کتیبه‌ها، خصوصاً عناصر تزیینی توجه شود (عکس از نگارنده)

کتیبهٔ ثلث درگاه ارتباطی شرقی

این بخش، ادامه‌ی نوشته‌ی درگاه ارتباطی غربی است:
«... الى الله الغنى ابویزید بن محمد بن
[مس] [عود] [مسعود] البایزیدی غفر الله له و
[لوالديه ولجميع المؤمنین] و المؤمنات فی
شهورسنهٔ سته وسبعمائنه» (تصویر ۱۱).

درخصوص کتیبه‌های این بخش، اشاره به چند نکته ضروری است: اول آنکه در قسمت کتیبه‌ی درگاه

غربی (چپ)، از کلمهٔ «بقعه» استفاده شده است. بقعه در لغت به معنای زیارتگاه و مقبره است. سایر معانی نزدیک: بنا، عمارت، خانه، سرای، جا و مقام می‌باشد و از معانی نزدیک‌تر بقعه می‌توان به: «صومعه و خانقاه» اشاره کرد.

اگر معنی زیارتگاه و مقبره را که اولین معنی است که به ذهن متبادر می‌شود در نظر بگیریم، مشخص است که تأکید در اینجا بیشتر بر مقبره‌ای است که در برج کاشانه وجود دارد.



تصویر ۱۱- کتیبه‌های ورودی شرقی و تاریخ آن: «سنه سته و سبعمانه» [۷۰۶ق] (عکس از نگارنده).

کشیدگی و تناسب و تزیینات درگاه غربی، بسیار به قاعده و زیبا رعایت شده است؛ اما در درگاه شرقی، از کیفیت خطوط و تزیینات به ناگاه کاسته می‌شود. سرک حروف کمی دچار افت کیفیت می‌شود و در کل، گونه‌ای خام‌دستی یا شیوه‌ای مبتدیانانه بر کلیت کار حکمفرماست. احتمال دارد که هرکدام از

بنایی که برای «محمدطیفور» کوچک‌ترین فرزند اولجایتو محمد خداپنده (۷۰۳-۷۱۶ق) ساخته شد. این فرزند در کودکی از دنیا رفت و اولجایتو به دلیل ارادت به بایزید، او را در این مکان دفن کرد (نک Blair, 1982: 263- 282).

نکته دیگر، در خصوص خطوط، کیفیت خط ثلث درگاه غربی و درگاه شرقی است. نوع حروف و

کتیبه‌های درگاه غربی و درگاه شرقی، کار فردی جداگانه بوده باشد.

نکته بعدی، در خصوص عنوان «واقفین» است که با توجه به ضمیر «هما» نشان می‌دهد که واقفین، دو نفر بوده‌اند که فردی به نام «ابویزید بن محمد بن مسعود بایزیدی» از طرف آن دو شخص، متولی ساخت و ساز و نگهداری این بقعه بوده است.^۷ صفت «بایزیدی» در انتهای نام او نشان می‌دهد که وی یکی از نوادگان یا وابستگان بایزید بوده است. در بخش شمالی مسجد جامع و در قسمت دالان موسوم به «دالان اولجایتو» کتیبه‌ای است که نام «محمد بن فضل الله بایزیدی» بر آن آمده است. شخص اخیر، از نوادگان بایزید بسطامی است که همراه پدر خود یعنی «رضی‌الدین فضل‌اله بایزیدی» در زمان اولجایتو (حک ۷۰۳-۷۱۶ق) در بسطام می‌زیستند و اولجایتو به آنان ارادت فراوان داشت. چه آنکه غازان محمود (حک ۶۹۴-۷۰۳ق) و اولجایتو محمد خدابنده، در زمان ولایتعهدی، والی خراسان و قومس و بسطام بودند. اولجایتو حتی نام فرزندان خود را از نام و القاب بایزید بسطامی اخذ کرده بود. محتمل است که اشارت کتیبه به دو نفر، همین «شرف‌الدین محمد بن فضل الله بایزیدی» و پدرش «رضی‌الدین فضل‌اله بایزیدی» باشد و نیز آنکه احتمالاً «ابویزید بن محمد بن مسعود بایزیدی» (منقوش بر محراب مسجد جامع بسطام) با «محمد بن فضل‌الله بن بایزیدی» (منقور بر دالان اولجایتو در شمال) و طبعاً پدرش «رضی‌الدین فضل‌اله بایزیدی» نسبت قوم‌و خویشی داشته است. با توجه به آنکه محمد بن فضل‌الله - با مراجعه به کتیبه‌ی دالان اولجایتو- مورد وثوق اولجایتو بوده است، این امر احتمالاً درباره «ابویزید بن محمد بن مسعود» نیز صدق می‌کند. در منابع آمده است که به سال ۷۰۰

قمری اولجایتو مرید رضی‌الدین فضل‌الله شد و به اشارت او، اولجایتو دستور ساخت قبه امامزاده محمد بن صادق (ع) و خانقاه و ساباط را صادر کرد. (خرقانی، ۱۳۹۵: ۳۶۳). کتیبه دالان و ایوان اولجایتو در ضلع شمالی مسجد جامع، سال ۷۱۳ قمری را نشان می‌دهد (علیئی، ۱۴۰۰: ۱۳۳). تاریخ ۷۰۶ بر محراب مسجد جامع، میان این دو تاریخ است. پس بسیار محتمل است که همان متولیان ساخت و سازهای مجموعه (ارسن) مزار بایزید بسطامی، دستور مرمت مسجد جامع را هم در جنوب ارسن داده باشند. یک احتمال دیگر این که این باشد که این دو واقف، اولجایتو محمد خدابنده و همسرش باشند که فرزندان را به تازگی از دست داده و نام و یادش را بر کتیبه‌ی بدنه‌ی برج کاشانه آورده‌اند..

کتیبه حاشیه‌ی تاق محراب

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي
النَّهَارِ وَزَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ
السَّيِّئَاتِ» (هود: ۱۱۴)

این آیه را که به «اقم الصلوه» معروف است، نویدبخش‌ترین آیه قرآن دانسته‌اند (تصویر ۱۲).^۸

کتیبه‌های ثلث بر روی ستون نماهای محراب

روی هر دو ستونچه طرفین محراب و درست زیر گلدان بالای ستونها، کلمات «الملك لله» دیده می‌شود.^۹ در اینجا، نوع فرارگیری کلمات و تزیینات ستونچه‌ها و نسبت‌شان با کلیت محراب، بسیار شبیه تزیینات و کتیبه‌های موجود بر ستونچه‌های محراب مسجد بایزید است و یکسانی سبک کاری هنرمندان این مجموعه را در طول زمان، بیش از پیش نشان می‌دهد (تصویر ۱۳).

«الله» (شرقی). شیوهی نوشتن این کلمات از نوع کوفی مشجر مزهر و مشبک است که به زیبایی اجرا شده است (تصویر ۱۴).

کتیبه‌های کوفی تک کلمه‌ای در داخل محراب (ضلع غربی و شرقی)
در این بخش، کلماتی همچون «الملک» (غربی) و



تصویر ۱۲- کتیبه دور قوس محراب (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۳- ستونچه‌های راست و چپ محراب (عکس از نگارنده)



تصویر ۱۴- دیواره‌های راست (غرب) و چپ (شرقی) محراب مسجد جامع (عکس از نگارنده)

در بالا و گوشه سمت چپ کادر شهادتین، به شکل
نقر شده این عبارت دیده می‌شود: «**علی ولی الله**
۹۸۰». به نظر می‌رسد که زمان نگارش این عبارت و
کادر شهادت به ولایت امام علی (ع)، یکسان بوده
است. تاریخ ۹۸۰ مربوط به زمان سلطنت شاه
تهماسب صفوی است (۹۳۰ - ۹۸۵ق) که تشیع
مذهب رسمی کشور شده بود. تعمیرات و مرمت‌هایی
که در بخش شمالی مجموعه و در زمان امیر غیاث
استاجلو به سال ۹۶۸ق انجام شده است، احتمالاً
شامل این بخش‌ها از مسجد جامع نیز شده است.
این نکته را نباید از نظر دور داشت که در عصر
ایلخانان، «تشیع و تصوف» ویژگی‌های مشترکی
داشتند. مبحث «ولی» که در تشیع قائل به ولایت و
جانشینی امام علی (ع) بعد از رسول الله (ص) هستند
و همچنین لقب «ولی» که برای «اولیاء» در تصوف به
چشم می‌خورد؛ یا مبحث پر اهمیت «شهادت»، که هم
در تصوف و هم در تشیع وجود دارد، وجه‌ای عاطفی
به آنان می‌بخشید. در بسیاری از فرقه‌ها مانند کبرویه و
سهروردیه، علائق پر شوری نسبت به خاندان رسول
الله وجود داشت. حتی برخی مانند «نقشبندیه» نسب

کتیبه کادر داخل محراب

در این قسمت نیز در دو کادر بالای هم، عبارت
شهادتین در بالا و ولایت علی بن ابیطالب (ع) در
پایین نقش بسته است: «**لا اله الا الله. محمد رسول**
الله علی بن ابی طالب ولی الله» (تصویر ۴د).
شیوه کادربندی شهادتین عیناً مشابه تزیینات
محراب مسجد بایزید است. علامات V شکل با گره‌ای
به دور آن که خاص نگارش هنرمند - به احتمال قریب
به یقین، محمد بن حسین ابیطالب دامغانی - است و
نوع تزیینات دایره‌ای، ختایی‌ها و اسلیمی‌ها بکار رفته
در کادر بالایی بسیار مشابه نمونه مسجد بایزید است
(نک تصویر ۸). اما در کادر پایین که شهادت به ولایت
امام علی (ع) نوشته شده، شیوه نگارش خط ثلث آن و
همچنین تزیینات به کار رفته، با کادر بالایی تفاوت
فاحش دارد. خلوت بودن فضای کادر و درشت بودن
حروف و نیز تزیینات کادر بندی کتیبه، محقق را به
این نتیجه می‌رساند که این کتیبه احتمالاً بعدها به
محراب اضافه شده است.

خود را به امام علی یا دیگر امامان می‌رسانند (بلر، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

تزیینات مسجد

تزیینات مسجد جامع بسطام در ارتباط تنگاتنگ با کتیبه‌ها و خطوط بکار رفته در آنجاست. محراب و ایوان مسجد جامع، دارای تزیینات پرکاری است و به یک اعتبار، پهلو به پهلو محراب مسجد بایزید می‌زند. چه، به احتمال قریب به یقین هر دو اثر، تحت سرپرستی یا به دست یک هنرمند انجام شده است (محمد بن حسین ابیطالب دامغانی). با بررسی کلی محراب‌های هردو مسجد، می‌توان گفت محراب مسجد بایزید در مقایسه با مسجد جامع از ظرافت بیشتری برخوردار است. اما تزیینات و نقوش محراب مسجد جامع با توجه وسعت و ارتفاع بیشتر ایوان، متنوع‌تر است (نک تصاویر پیشین).

تزیینات داخل قوس محراب، از نظر پرکاری، مانند مسجد بایزید است. البته پشت‌بغل‌های بالای قوس در مسجد جامع، کم عمق‌تر بوده و به نسبت نمونه مشابه در مسجد بایزید برجستگی کمتری دارد و از این نظر، تزیینات مسجد بایزید چربش دارد. داخل قوس محراب مسجد جامع، بوسیله اسلیمی‌ها، دوایر تودرتو و برگ‌های سه‌پره، که به شکل مثلث‌های ریزی‌اند، مجوف شده‌اند. همچنین نیم‌برگ نخل‌های روبه‌رو و نیز ختایی‌های متنوع که مجموعه را پرکارتر کرده است.

در میانه محراب و در اطراف کادر شهادتین، تزیینات زنجیره‌ای زیبایی به چشم می‌خورد که مشابه آن بر قوس محراب مسجد بایزید، در بخش شمالی مسجد جامع بسطام، نیز دیده می‌شود. در نیمه پایین محراب نیز کادر مستطیل شکل خالی دیده می‌شود که این بخش نیز شبیه نمونه مسجد بایزید است. در اطراف

این کادر عمودی، طرح‌های مشبک هشت‌ضلعی به‌کار رفته که در داخل آنها نیز شمسه مجوف زیبایی کار شده است. این بخش نیز با نمونه مسجد بایزید دارای مشابهت‌هایی است.

دیواره‌های داخلی چپ و راست محراب که در اطراف کتیبه‌های تک‌کلمه‌ای کوفی قرار گرفته‌اند، اشکال متنوعی مانند گل‌های چهارپر، ستاره شش‌پر، لوزی‌های مجوف و شش ضلعی‌های تو در تو را در خود جای داده‌اند.

بر اطراف کادر کتیبه کوفی و بر دیواره کناره داخل محراب، تزییناتی شبیه ساعت شنی به شکل زنجیروار وجود دارد که مشابه آن را بر محراب مسجد بایزید می‌توان یافت (تصاویر ۸ و ۱۰).

ستونچه‌های کناره محراب نیز آکنده از تزیینات است. بارزترین آنها، طرح چلیپایی شکلی است که به زیبایی کار شده و در داخل آنها نیز کنده‌کاری‌های چندگانه دیده می‌شود. مابین این طرح‌های چلیپایی شکل نیز با گل‌های چندگانه، پر شده است.

در کتیبه‌ی ثلث ناحیه‌ی محراب نیز اطراف و داخل آنها، اسلیمی‌ها و ختایی‌های متنوعی کار شده است و در بخش گردش کادر، یعنی در سمت چپ و راست بالای محراب، طرح‌های سروی شکلی دیده می‌شود که در داخل آنها نقوش مجوف ستاره‌ای شکل زیبایی اجرا شده که مشابه آنها را عینا در صومعه می‌توان دید. همچنین در مسجد بایزید، در داخل این طرح‌ها و به جای نقوش ستاره‌ای، کتیبه‌های کوفی ظریفی اجرا شده است. انواع اسلیمی‌ها و دوایر و قوس‌ها نیز در این بخش به فراوانی دیده می‌شود.

بالتر از این کادر و کتیبه، بر کتیبه کوفی گل‌های شش‌پر و هفت‌پر به وفور یافت می‌شود. به‌گونه‌ای که

این گلها خود مانند یک ردیف زنجیره‌ای درآمده‌اند (نک تصاویر پیشین).

تزیینات کتیبه راست به چپ ایوان، همراه با اسلیمی‌ها، گل‌های چندپر و همچنین علامت ۷ شکل که بر قوس داخلی محراب مسجد بایزید در ناحیه‌ی شمالی، و نیز محراب مسجد جامع بسطام به چشم می‌خورد، یک سمفونی زیبا را به وجود آورده است که در هماهنگی کامل با کتیبه‌هاست. این علامت ۷ مانند همان پُرکننده‌های تزیینی کوچک ۷ شکل در آذین‌بندی و تزیین اطراف آیات قرآن‌های چاپی یا خطی است.

بر دیواره راست (غرب)، و چپ (شرق) ایوان مسجد که چندان پر عمق هم نیست، تزیینات شش ضلعی دوخطی بسیار زیادی دیده می‌شود که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. مابین دو جداره این شش‌ضلعی‌ها، گل‌های سه‌پره کوچکی قرار گرفته‌اند که در اطراف آنها نیز شش‌ضلعی‌های کوچکی دیده می‌شود. در مرکز این اشکال، گل‌هایی کنده‌کاری شده‌اند که به شکل سپر هستند. هماهنگی و نظمی که در میان این نقوش دیده می‌شود حیرت‌آور است (تصاویر ۹ و ۱۰).

تزیینات اطراف قوس‌های تیزه‌دار بر درگاه‌های ورودی شرقی و غربی، بسیار پرکار و مشابه تزیینات وسط محراب مسجد بایزید است، شامل اسلیمی‌های ریز و درشت و ساقه‌های دایره‌ای شکل چندگانه. نکته جالب در خصوص این بخش، آن است که تزیینات درگاه غربی، هماهنگ‌تر و زیباتر از تزیینات درگاه شرقی است. این تفاوت کیفیت، درباره کتیبه‌های این بخش هم مصداق دارد. یعنی کیفیت نگارش کتیبه غربی، بهتر از نمونه شرقی آن است.

در بالای کتیبه‌های نستعلیق قاجاری و در داخل رسمی‌بندی‌ها و یزدی‌بندی‌ها، تزیینات گل و گیاه‌های

ساده‌ای دیده می‌شود که نسبت به نمونه‌های ایلخانی پایین، نفاست چندانی ندارد.

نتیجه‌گیری

قدمت و ادوار تعلق کتیبه‌ها و خطوط: مسجد جامع بسطام همان‌گونه که گفته شد، جزء مساجد قدیمی فلات ایران است و طبق منابع، از همان قرون اولیه ورود اسلام به ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ اما کتیبه‌ها و تزیینات فعلی محراب و دیوار قبلی، مربوط به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری، یعنی عصر حکومت ایلخانان بر ایران است.

خطوط بکار رفته در محراب: کتیبه‌های مسجد جامع دارای تنوع و طیف وسیعی از خطوط است که عمدتاً به خط کوفی و البته بیشتر با خط ثلث نوشته شده است. خط کوفی این بخش از نوع مزهر (گل و برگ‌دار) و معقد (گره دار) مورق (برگ دار) است که بسیار شبیه نمونه‌های موجود در مسجد بایزید و صومعه بایزید در بخش شمالی مسجد جامع است. کتیبه با گل‌های ریز هشت پر و نیز تزیینات ختایی و دواپر کوچک و بزرگ تزیین شده است. اما خط ثلث بکار رفته بر محراب و دیوار قبله نوع خاص و در حقیقت ابداعی هنرمند است.

مضامین کتیبه‌ها: درون‌مایه کتیبه‌ها بسیار متنوع است. از آیات مختلف قرآن مجید (سوره‌های جمعه، فتح، توبه، هود) که دلالت و تأکید بر نماز جمعه و فتح و ظفر دارند. آیه ۱۱۴ به کار رفته از سوره هود را نویدبخش‌ترین آیه در قرآن می‌دانند. همچنین در این کتیبه‌ها معرفی افراد و فعالیت‌های آنها دیده می‌شود.

هنرمندان و خوش‌نویسان: بر کتیبه‌های محراب و دیوار قبله، نامی از هنرمند یا هنرمندان دخیل در ساخت و پرداخت این کتیبه‌ها دیده نمی‌شود. اما با

مقایسه نمونه خطوط و همچنین تزیینات، تقریباً با قطعیت می‌توان گفت که هنرمندان شاغل در ارسن بایزید بسطامی (بخش شمالی)، در قسمت جنوب، یعنی مسجد جامع نیز آثار خود را بجای گذاشته‌اند. چه آنکه نام «محمد بن حسین ابیطالب دامغانی» و پدرش «حسین بن ابی‌طالب دامغانی» و «محمد بن احمد سمنانی» بر برج و پیشتاق کاشانه که چسبیده به مسجد جامع است، دیده می‌شود.

حامیان، بانیان و مدخلین: بر کتیبه‌های محراب مسجد جامع بسطام، نام «ابویزید بن محمد بن مسعود بایزیدی» خوانده می‌شود. در عین حال، از دو نفر با ضمیر عربی «هما» یاد می‌شود که «ابویزید بن محمد» به توصیه و دستور آنها بخش محراب و دیواره قبله را عمارت کرده است. این دو نفر طبق برخی منابع و همچنین کتیبه‌های بخش شمالی در ارسن بایزید بسطامی، محتملاً «شرف‌الدین محمد بن فضل الله بایزیدی» و پدرش «رضی‌الدین فضل‌اله بایزیدی» بوده‌اند. احتمال دیگر برای آن «دو» نفر، اولجایتو و همسرش است. این افراد طیفی از مناصب مذهبی، عرفانی، سیاسی، اعتقادی و فرهنگی را شامل می‌شوند.

پی‌نوشت

- ۱) البته در نسخه خطی، کتابت ۶۵۸ ق، عبارت «همچون دژ» دیده نمی‌شود.
- ۲) البته زارعی بعدها موفق به قرائت این بخش کتیبه شد (زارعی، ۱۳۹۰: ۴۰۳).
- ۳) برای توضیحات مفصل، نک تاریخ اولجایتو، ذکر وقایع سال ۷۰۶ صفحات ۵۵ به بعد «... روز سه‌شنبه سیزدهم ذی القعدة ... به عزم فتح بیشه گیلان [حرکت کرد] ... و... رایت جهانگشای به فیروزی و اختر سعد روز پنجشنبه بیست و هفتم ذی الحجه سنه ست و سبع مایه هلالی از آنجا [گیلان] کوچ کرد و بعد از یک هفته به سلطانیه نزول فرمود... از بزرگان و مهتران گیلانات و از عیال و اطفال اسیران بسیار گرفته آوردند» (کاشانی، ۱۳۹۱: ۵۵ و ۷۲).
- ۴) استفاده از این آیه تا دوران اواخر قاجار نیز رایج بود. مثلاً در مجموعه مسجد- مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) تهران. برای آگاهی بیشتر نک: مهجور، فیروز، و میثم علیی (۱۳۹۰). «بررسی کتیبه‌های مسجد - مدرسه‌ی شهید مطهری (سپهسالار)». در: نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۹-۵۸.
- ۵) اعتمادالسلطنه بخش‌هایی از این کتیبه را اشتباه قرائت کرده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۵/ ۲۵۳۵: ۷۹). زارعی «تقبل منهما» را «تقبل منهم» و «ظلهما» را «ظلهم» خوانده است. ضمناً کلمه «له» را بعد از «غفرالله» نیاورده است (زارعی، ۱۳۷۱: ۳۲۰؛ همو، ۱۳۹۰: ۴۰۵).
- ۶) این قسمت از کتیبه تخریب شده و تنها بخشی از کلمه «جمع» به سختی خوانده می‌شود.
- ۷) زارعی بیان می‌کند که «چنانچه "ین" را علامت مثنی بدانیم، در واقع وقف کنندگان دو نفر بوده‌اند و اگر علامت جمع باشد، در حقیقت تعداد آنها باید بیشتر باشد» (زارعی، ۱۳۹۰: ۴۰۷). زارعی در اینجا دچار اشتباه شده است. زیرا، هنگامی که در کتیبه از ضمیر «هما» که برای دو نفر در عربی بکار می‌رود استفاده شده، بالتبع شناسه «ین» را باید متعلق به دو نفر حساب کرد، نه چند نفر.
- ۸) بازایی به تاریخ تیرماه ۱۴۰۲ <http://www.tadabbor.org/?page=article&AID=446>
- ۹) زارعی بر روی ستون سمت راست: «الملک» و بر ستون سمت چپ: «الله» را خوانده است (زارعی، ۱۳۷۱: ۱۲۲).. اما این دو کلمه بر هر دو ستون دیده می‌شود. در واقع، بر دیواره‌های داخلی در قسمت راست و چپ محراب است که کلمه «الملک» و «الله» هر دو به کوفی آمده است (تصویر ۱۳).

فهرست منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان صنیع‌الدوله (۱۳۵۵)، مطلع‌الشمس، جلد اول از سه جلد، ویراستاری محمد مقدم و مصطفی انصاری، زیر نظر مجید رهنما، بی‌جا: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷)، مرآة‌البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد چهارم از چهار جلد، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷)، معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، ترجمه‌ی ولی‌الله کاووسی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۴۴)، تاریخ قومس، به انضمام تاریخ مشرق ایران از دوران ماقبل تاریخ تا عصر حاضر، چاپ اول، تهران: چاپخانه اطلاعات.
- _____ (۱۳۷۹)، شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان، چاپ اول، تهران: کومش.
- خرقانی، احمد بن حسین (۱۳۹۵)، دستورالجمهور فی ناقب سلطان‌العارفین ابویزید طیفور، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- خرقانی، احمد (بی‌تا)، دستورالجمهور در مناقب سلطان بایزید بسطامی، نسخه‌ی عکسی موجود در کتابخانه‌ی ملی، تهران.
- زارعی، محمدابراهیم (۱۳۷۱)، مجموعه بناهای مذهبی بسطام، رساله‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۹)، معماران دامغانی در مجموعه بسطام «دوره ایلخانی»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله زاده شیرازی، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی: ۴۷۵-۴۵۹.
- _____ (۱۳۹۰)، مسجد جامع بسطام از دیدگاه باستان‌شناختی، مجموعه‌ی باستان‌شناسی ایران در دوره اسلامی: ۴۳ مقاله در بزرگداشت استاد محمدیوسف کیانی، به کوشش محمدابراهیم زارعی، همدان: دانشگاه بوعلی.
- زندیگان، گروه تحقیق مهندسان مشاور مطالعه و مرمت (۱۳۸۷)، گزارش مطالعات شناخت مجموعه‌ی تاریخی بایزید بسطامی (گزارش اول)، سمنان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان.
- شهیدی، جعفر (۱۳۹۲)، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ پنجاهم، تهران: نشر دانشگاهی.
- علیئی، میثم (۱۴۰۰)، سیری در تحول معماری در ارسن بایزید بسطامی، با تأکید بر عصر ایلخانی، مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، ۳: ۱۵۶-۱۱۷.
- کاشانی، عبدالله بن علی (۱۳۹۱)، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کسای، رضا، رهگذار، کامران (۱۳۵۳)، پروژه مرمت: مجموعه بسطام، تهران: دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران [شهید بهشتی]، انستیتو مرمت آثار باستانی.
- مخلصی، محمدعلی (۱۳۵۹)، شهر بسطام ومجموعه‌ی تاریخی آن، اثر، ۲: ۲۴۵-۲۰۹.
- مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۹۰۶م)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.
- _____ (۱۳۵۸ه.ق)، نسخه‌ی خطی کتاب [الأقالیم و] المسافات و الولايات معروف به احسن التقاسیم، نسخه‌ی عکسی (فکسیمیل) - موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - از روی نسخه موجود در ایاصوفیه.
- موزر، هنری. (۱۳۵۶)، سفرنامه ترکستان و ایران، ترجمه‌ی میرزا علیخان مترجم (به خط محمد قزوینی)، به کوشش محمد گلبن، چاپ اول، تهران: سحر.
- مهجور، فیروز، علیئی، میثم (۱۳۹۰)، بررسی کتیبه‌های مسجد - مدرسه‌ی شهید مطهری (سپهسالار)، نشریه‌ی هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۴۸: ۴۹-۵۸.

- Blair, Sheila (1982), The Inscription from the Tomb Tower at Bastām: An Analysis of Ilkhanid Epigraphy, *Art et société dans le monde iranien*, ed. C. Adle, Paris: Institut Français D'Iranologie de Téhéran Bibliothèque Iranienne, 26: 263-282.
- Fraser, James, B. (1825), *Narrative of a Journey into Khorasān in the Years of 1821 and 1822*. London: A&R Spottiswoode.
- Golombek, Lisa (1974), The Cult of Saints and Shrine Architecture in the Fourteenth Century, *Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy and History: Studies in Honor of George C. Miles*, ed. Dickran Kouymjian, Beirut: 30-419.
- Herzfeld, E. E. (1926), *Zeitschrift der Deutschen Morgenland Gesellschaft*, V.3.
- Hill, Derek; Grabar, Oleg (1964), *Islamic Architecture and its Decoration: A.D 800-1500*, London: Faber and Faber
- Hillenbrand, Robert (1974), *The Tomb Towers of Iran to 1550*, Doctoral Thesis, Vol II of IV vols, Oxford.
- _____ (1982), The Flanged Tomb Tower at Bastam, *Art et Société dans le Monde Iranien*, ed. C. Adle, Paris: Institut Français D'Iranologie de Téhéran Bibliothèque Iranienne, 26: 60-237.
- _____ (1999), *Islamic Art and Architecture*, London: Thames and Hudson Ltd.
- _____ (2002), *Islamic Architecture: Form, Function and Meaning*, 2nd print, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Khanicoff, Nicolas De (1861), *Memoire sur la Parti meridionale de l'Asie Central*, Paris: Imprimerie De L. Martine, Rue Mignon, 2.
- La Strange, G. (1930), *The Lands of the Eastern Caliphate (Mesopotamian, Persia, and Central Asia from the Moslem Conquest to the time of Timur)*, New York: Barnes & Noble, Inc. Publishers.
- Pope, Arthur Upham (1964), *The Architecture of the Islamic Period (The Fourteenth Century)*, A Survey of Persian Art (From Prehistoric Times to the Present), vol. 3 (of 12 vols), eds. Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman, Tehran: Manafzadeh Group, London: Oxford University Press, Tokyo: Meiji-shobo.
- _____ (1965), *Persian Architecture: The Triumph of Form and Color*, New York: Gorge Braziller.
- _____ (1976), *Introducing Persian Architecture*, Fourth Printing, Iran: Soroush Press.
- Taboroff, June, H. (1981), *Bistam, Iran: The Architecture, Setting and Patronage of an Islamic Shrine*, Ph.D. Thesis, New York University.
- Wilber, Donald, N. (1955), *The Architecture of Islamic Iran, The Il Khānid Period*, 1st Published. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- _____ (1976), *Builders and Craftsmen of Islamic Iran: the Earlier Periods*, *Art and Archaeology Research Papers*, 10: 31-39.

منابع اینترنتی:

– Website: سایت تدبیر

URL: www.tadabbor.org/?page=article&AID=446

Accessed at: 21/07/2023